

عنوان مقاله:

دیدگاه طب جامع در تعریف، پیشگیری و درمان بر سوءالقنیه یا جرم کبد

محل انتشار:

کنفرانس بین المللی طب ایرانی اسلامی (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 5

نویسندگان:

حسین روزاده

عطیه روزاده

مهدی عباس طاهر

خلاصه مقاله:

کبد یا جگر (Liver) بزرگترین غده بدن است که بدون آن ادامه حیات غیرممکن است. پانکراس (لوزالمعده) و کبد، نقش مهمی در هضم و متابولیسم مواد غذایی از جمله پروتئین سازی و سم زدایی بدن به عهده دارند. آگاهی از ساختمان و عملکرد این اندامها بسیار مهم و با ارزش است. پیچیده ترین عضو در بدن کبد است که در قسمت راست بدن و بالای شکم درست زیر دیافراگرام قرار دارد. از میان تمام ارگانهای بدن، کبد یکی از ضروری ترین اعضای بدن به شمار می آید و بعد از پوست بزرگترین عضو بدن است. کبد دارای نقش کلیدی در متابولیسم است و به تولید مواد بیوشیمیایی لازم برای هضم کمک می نماید. در طب جامع کهن ایران زمین نیز همواره به کبد به عنوان برجسته ترین عضو بدن اشاره شده است و در کتابهای مرجع و ارزشمند پزشکی کهن ایران زمین تشریح آن و ذکر حالات آن آمده است. کبد عضوی است که عصاره و جوهر غذای هضم شده در معده را که کیلوس نام دارد. هم رنگ خود درآورده و به خون تبدیل می نماید. قدرت و کارکرد ماساریقا نیز در ساختن خون تقریباً شبیه به کبد است. درواقع کبد اندامی است در بدن که عضوی مهم از اعضای رئیسه محسوب میگردد و آن را میتوان کارخانه خونسازی و پالایشگاه خون نامید که دفع کننده ضایعات خونی و ارسال کننده مواد به جا مانده از خون تصفیه شده به اندامهای دیگر نیز می باشد. ماساریقا که مجموعه رگهایی مانند ریسمان هستند و از جگر به سمت روده ها پیوسته شده اند غذای لطیف و چرب را از قعر معده مکیده و در خود می پزد و سرانجام این پالایش چهار ماده اصلی است؛ خون صاف و پا کیزه؛ آب حاصل از پالایش خون؛ کف زرد رنگ حاصل از تصفیه خون که صفرا نام دارد و نیز درد و ته نشین سیاه رنگ و کثیف حاصله که همان سودا است و البته سوءالقنیه غلبه همین خلط سودا است سوی کبد می برد. بیماری سوءالقنیه در خلاصه التجارب چنین معرفی شده است: سوءالقنیه: این ضعفی بود که در جگر پدید آید و مزاج جگر از حال طبیعی یعنی بشره بد شود؛ این را سوء المزاج کبد نیز گویند و این مرض مقدمه استسقا باشد؛ علامت آن آن است که رنگ روی به زرد گراید و تهیج اندر پشت چشم و روی و اطراف پدید آید و باشد که تهیج قوی در تمام بدن پیدا شود و چنانچه هرگاه انگشت بران نهند همچو خمیرمایه فرو نشیند و این در استحکام سوء المزاج افتد و تشنگی غلبه کند و باشد که اشتها زیاده شود و هضم بد باشد و بادها و قراقر در شکم و سستی و کسلانی در این پیدا شود و گاه بود که به سبب صعود بخارهای بد گوشت بن دندان خارش گیرد و بجوشد و براز کم و بی ترتیب دفع شود و اگر جراحی با قرحه درین رو پدید آید رویانیدن آن درد به عسرت میسر شود. حکیم عقیلی خراسانی می گوید: سوء القنیه: بدان که قنیه نزد حکما به معنی ملک و آن، بودن شیئی است به حیثیتی که محیط به آن باشد و به انتقال آن منتقل گردد، و آن را فساد مزاج نیز می نامند، به سبب آن که فساد و تغیر مزاج و انحرافی است که از فساد و سوء مزاج کبد به هم می رسد در تمام بدن احيانا و این اسم به استسقا الیق و اخص است، و لیکن اطبا مختص به این مرض که مقدمه آن است داشته اند. در فصول الاعراض (شرح کتاب حدود ال ...

کلمات کلیدی:

سوءالقنیه، کبد چرب، جرم کبد، سوءمزاج، غلبه سودا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/965343>



